

ننامه سرگشاده

نوشتار حاضر گزارشی است به مردم در راستای استقرار حاکمیت آنها و دفع هرگونه گرایش‌های ارتجاعی و قیام‌طلبانه. نگارنده از اعضای مجاهدین خلق بوده که چند سالی در رابطه با این جریان در زندانهای رژیم ولایت فقیه جمهوری اسلامی و دیگر اشکال مبارزه سرکرده و نهایتاً تجربه زندانهای رجوی را نیز در عراق از سر گذرانده‌ام. خانواده‌ام، فرزندانم، همسر و خودم در چهار کشوری که بهم دسترسی هم نداریم گرفتار و قربانی قدرت‌طلبیهای حقیرانه و تنگ‌نظرانه دو جریان ارتجاعی غالب و مغلوب و ماهیتا همسان شده‌ایم.

در این میان چیزی که برای من باقی مانده و آنرا امانت مردم میدانم تجربیاتی است در رابطه با دیکتاتوری مذهبی رژیم جمهوری اسلامی که خوشبختانه بر کسی پوشیده نمانده و در کنار آن ماهیت منحط فرقه رجوی و آه و افسوسهای انبوه کسانیکه در این دام افتادند و از طرفی ایندالهای دمکراتیک مردم میهن آنچه هوشیاری بیشتری را میطلبد این است که ملت ایران نخواهد و نباید در یک دور و تسلسل محنت بار تجربیات تلخ دیکتاتوری و فریبکاری را تکرار کند علیرغم ادعاهای رجوی مبنی بر سواستفاده رژیم از افشاگری عملکردهایش و پنهان کردن خیانتها در پشت جنایات رژیم، آگاهی یافتن هر چه بیشتر و همه جانبه مردم آتشی است که ریشه ارتجاع و زورگوئی را میسوزاند و تضمین دموکراسی است.

پناه گرفتن مکرانه رجوی این بار در پشت خوانندگان:

باسلام به عومهرنمندان هموطن که با هنر خویش شادمانی را به مردم ارزانی میدارند. از اظهارات آقای عارف که در رادیوی اسرائیل نیز پخش گردید آمده است که: تاکنون هیچ گاه این قدر مورد اعتراض ایرانیان قرار نگرفته‌ام. هر چند که ایشان با مسامحه و عدم توجه به علل گرایش‌های مردم و با اندکی مطلق‌اندیشی آنها را تلویحاً مورد سرزنش قرار داده‌اند باید صمیمانه به ایشان یادآور شد که در واقع صدها برابر آن اعتراضات که مستقیماً به شما شده است در گوشه و کنار و در هر جمع و محفل ایرانی بطور ضمنی بعمل آمده‌است و این اعتراضات در واقع نه به شخصی شما و هنرستان بلکه پیش از آن به روشهای فریبکارانه مسعود رجوی و باند اوست و نیز واکنش طبیعی و واقعی مردم میباشد و بر اساس شناختی است که از "مجاهدین" رجوی تجربه شده‌است و خود بهترین مطالعه و تحقیق برای شما است و در واقع نه یک قشر خاصی بنا به گفته شما از ایرانیان مقیم آمریکا بلکه طیفی از مردم از افراد عادی جامعه تا اعضای کثرت گرفته خود سازمان مجاهدین بالغ بر چند هزار نفر در سراسر اروپا و آمریکا و همچنین گرایش‌های دیگر اجتماع از کمونیست تا سلطنت طلب را در بر میگیرد.

(توضیح اینکه تعداد کسانیکه در یک پروسه کوتاه با دراز مدت با سازمان مجاهدین همکاری کرده و بهرور از این سازمان کسار گرفته‌اند چند برابر تعداد فعلی باند رجوی میباشد.)

در جای دیگر از اظهارتتان آمده‌است برای تحقیق و مطالعه پیرامون شورای ملی مقاومت با اعضای خود شورا وارد بحث و سؤال نمودن شده‌اید! پیشنهاد ما این است در کنار صحبت نمودن با اعضای این شورا از اعضای جدا شده که در هر کوی و بزرگ‌نوا حضور دارند جويا شوید تا شما را از مناسبات درونی این جریان مطلع سازند از بت سازی و بت پرستی و تبعیضها و فضای ضد دمکراتیک از مقام پرستی و رده خواهیهای حقیر و واهی، از کف زدن و هورا کشیدن ناآگاهانه از دعوت به سرپرستی و استثمار و سواری گرفتن از تعطیل نمودن اندیشه و سواستفاده از احساسات و دامن زدن به شوروفتورها از دیوارهای قطور تبلیغی سانسوره نبود دیگر نشریات و افکار و مستشوی مغزی و بمباران فکری در حصارهای بسته تشکیلاتی و سیمهای خاردار تو در تو و نداشتن حق خروج از یک محدوده تعیین شده از کنترل تمامی گرفتن نفرت بمنظور جلوگیری از صحبت نمودن دوستانه خارج از چهارچوب تشکیلات و از بازی کردن و سواستفاده از مسئله آزادی زنان از ازدواج و طلاقهای مکرر و سرانجام طلاقهای عمومی و از وارونه کردن واژهها اطلاق واژه انقلاب به عمل نکوهیده طلاق از وادار کردن همسران به تفانداختن بر صورت همدیگر و اینکه در حضور جمع مردبه همسرش واژه "افریته" خطاب کند و زن به همسرش واژه "ملعون" را و فراهم نمودن فضای روحی خاصی جهت بهره برداریهای رذیلانه و در واقع استثمار مضاعف زنان در دستگاه ولایت فقیه رجوی. از دوجین بیوه زنان شورای رهبری که هیچ کاره هستند. آقای عارف از آن افراد باصطلاح شورا سؤال کنید که رجوی با چه حقی در مسایل خانوادگی افراد دخالت میکند آنهم در ویرای سیمهای خاردار که سروکار مخالفین و معترضین با پلیس امن عراق (مخابرات) است با چه حقی فتوای طلاق را صادر میکند و مسئول بدبختیهای کودکان مجاهدین کیست؟ کودکانی که با افکندن تخم نفاق در بین پدران و مادران زندگی غیر طبیعی و آینده مبهمی دارند. هم اکنون فقط در یک کشور اروپائی بیش از ۵۰ تن از افرادی که خانواده هایشان پاشیده شده است بعضی در انتظار همسرانشان از زن و مرد به سر میبرند و بعضی مایوسانه تن به ازدواج مجدد داده‌اند و از رمادی سؤال کنید.

شماره صاحب تان گفته اید متأسفانه مردم در مورد مسائل تحقیق نمیکنند بلی واقعا جای تأسف دارد و این يك نقطه ضعف شکننده است اما آیا خود شما چه تحقیقاتی کرده اید؟ آیا جای تأسف نیست که پس از حدود ۱۵ سال از تشکیل شورای کنائی تازه شما بفرگه سؤال نمودن از خود اعضای این شورا شده اید و در واقع بهتر بگوئیم اکنون از سر کفگیر به ته دیگ خوردگی این جماعت برای سواستفاده به سراغ امثال شمایان می آیند؟ چرا تاکنون به این فکر نبودند و اهمیتی به این مسائل نمیدادند شما که امروز مورد توجه این فرقه هستید اگر به روشهای ضددمکراتیک و ضد حقوقی آن اعتراض کنید خواهید دید که چگونه مدارک و اسناد وابستگی شما به سفارت خانه های رژیم و ساواک شاه از کارخانه مدرک سازی آقای رجوی بیرون میاید.

شورای مورد نظر که به گفته رجوی شامل ۳ رکن اساسی و تعدادی شخصیت های منفرد بود اکنون پس از از دست دادن ۲ پایه حزب دمکرات و بنی صدر و نیز تعدادی از شخصیت های منفرد منجمله مهدی خانباها تهرانی، دکتر مهدی مکن، بهمن نیرومند، حسن ماسالی دکتر ناصر پاکدامن و دیگران به اهرم ضعیفی در دست رجوی تبدیل شده است و تعداد زیادی از اعضای سازمانش نظیر محسن رضائی را به عضویت آن در آورده است آن هم مثلا دبیر ارشد شورا و اگر هنوز هم برای کسی توهمی وجود دارد و آقایان متین دفتری و منوچهر هزارخانی و آخوند جلال گنجی ای را شورا مینامد با روشهای رجوی آشنا نیست که چگونه این اشخاص را کنترل میکند و مانند دیگر افرادی از آنها کار میکند و تأثیری میگیرد چه بسا این افراد حتی به اندازه يك مجاهد که چشم و گوش بسته اطاعت میکند آنچه در پشت پرده بازی میشود نمیدانند در يك بازی تاتر رجوی کسی را بعنوان رئیس و وزیر تعیین میکند و بعد آنرا به رای همگانی میگذارد که با آرا صد در صد و کف زدن های متعدد انتخاب میشود. بعنوان نمونه در اینجا خاطره ای از شورای باصطلاح ملی مقاومت را نقل میکنم . پس از لو رفتن زندان دبی توسط آقای رضاتویسرکانی عضو مجاهدین که خود مدتی در این زندان بوده و بعد به فرانسه رفته بود اعضای شورای دست ساز به کرکوک آورده شدند به نظر میرسید که این افراد خواسته بودند زندان دبی را ببینند اما از چیزی که اثری وجود نداشت چند صد نفر اعضای ناراضی و فرزندانشان بود که درب زندان آنها را در این هنگام قفل کرده و ترددشان ممنوع شده بود در عوفی تعدادی از کردهای عراقی را که با شرکت خائنانه در سرکوب آنها و همکاری با گرد ریاست جمهوری صدام اسیر کرده بودند و در ساختمان دیگر نگهداری میشدند بعنوان مزدوران رژیم خمینی معرفی کرده و نیز ۶ نفر بسیجی رژیم که ادعا میشد در حمله ارتش و سپاه پاسداران برای اشغال خاگ عراق اسیر شده اند را چاشنی شوربائی کرده بود تا به اعضای شورا و سازمانش وانمود کند که در زندان دبی مزدوران رژیم هستند. در واقع مشخص نبود افراد باصطلاح شورا به چه خاطر به دبی آمده بودند در هر حال اینکه نتوانستند یا نخوانستند با انبوه زندانیان ملاقات کنند و حرفی بشنوند میسران استقلال و ارزش آنها را نشان میدهد که رجوی برایشان قائل است شاید هم آقایان برای تفریح و مثلا از صیفی کاری مجاهدین که از سربگیری در پشت محوطه سیم خاردارهای زندان کشت خیار و خربزه شده بود آمده بودند خلاصه پس از کشتن گوسفندی و پذیرائی از آنها در ۲۰۰ متری زندان برنامه بخیر و خوبی گذشت و اگر توهمی وجودداشت باقی نماند. شورا و سازمانی که منییم مناسبات دمکراتیک در درون خود را ندارد چگونه میتواند شتون دمکراسی را در جامعه با دهها گرایشات سیاسی و ایدئولوژیک رعایت کند. و همان سیستم فریبکاری که در درون خود حاکم است بدترش را به جامعه تعمیم ندهد. و اما در رابطه با سؤال بزرگ شما که در رابطه با گرفتاری مذهب است حرفها، نمونه ها بسیار است و در حوصله این نوشتار نمیگنجد و منحصر و محدود به مذهب و غیرمذهب نیست با اینحال خوب است عین گفتار رجوی را در اینجا نقل کنیم که میگوید: ولایت فقیه عالیترین و بهترین و پیشرفته ترین سیستم رهبری است. در نتیجه ولی فقیه است که باید تغییر کند و نه سیستم ولایت فقیه. آقای عارف که طرف صحبت شماهای نوعی میباشید و در جای خود مورد احترام افکار عمومی هستید و نکات مثبت فراوانی در مصاحبه تان وجود دارد که حاکی از حسن نیت و روحیه ترقی خواهی میباشد لفظ در مورد زندانهای باند رجوی بنامهای زندان دبی، زندان دانشکده زندان ۱۱، زندان سردار سؤال کنید این زندانها را باختصار m^1, m^2, m^3 و مینامیدند که به معنی مهمانسرای شماره ۱ مهمانسرای شماره ۲ و است.

شکجه ها: در مورد شکستن استخوان بینی یکی از این مهمانها بنام فرهنگ در حضور ۲ فرزند خردسالش که قبلا مادرشان شهید شده بود سؤال کنید که توسط سرزندانان محسن رضائی با ضرب پوتین صورت گرفت. از پاره کردن پرده گوش شخصی بنام یوسف با ضرب سیلی، از ریختن برسر خانمی بنام با مشت و لگد و کشیدن موهایش توسط زنی بنام مزه و گله دیگر از مجاهدین رجوی در حضور و با دستور محسن رضائی و جیب و فریاد آن مهمان که یادآور زندانهای رژیم خمینی بود سؤال کنید. از پاره کردن فتن دیگری توسط محمد روزبان از افراد تیم محسن رضائی با ضرب لگد و از خون آلود کردن دهان دیگری توسط ادیب از افراد تیم محسن رضائی از قطع آب و برق هواخوری در زندانها جهت فشار وارد کردن و از ادای فحشهای رکیک ناموسی به زنان کناره گرفته توسط محسن رضائی و زنی با اسم مزه سؤال کنید.

از زندگی سوبر اشرافی رهبر برج عاج نشین از اتومبیل ضد گلوله و اسکورت‌های آنجانی در جمع اعضای غیر مورد اعتماد و بازرسی‌های بدنی از انتخاب بهترین میوه‌ها برای ساختمانی که رجوی در آن زندگی میکند. از غذاهای آماده، لباس شسته و اتوکشیده توسط ندیمه‌های دربار شاه مسعود از بگار بردن واژه ارتجاعی کنیز و تحقیر روانشناسانه زنان به هدف کنترل سؤال کنید.

زنان در سازمان ما باید کنیز مریم باشند و بر این کنیزی افتخار کنند!! سخنرانی رجوی سال ۷۰

رابطه برابری در سازمان فراموش شده است و هیچ دو نفری با هم برابر نیستند و از ارزش مساوی برخوردار نمیباشند بلکه همیشه یکی بالاتر یا پایین تر از دیگری است هر چه هست رابطه بالا و پایین و ارباب و رعیتی است

لطای خدائی و بخشش گناهان : رجوی خطاب به اعضای فرقه اش گناهان فردی خویش را به من بدهید و نگران آن نباشید منظور از دادن گناهان فردی گزارش مکتوب آن بود با این کار رجوی از ضعفهای پیروانش آگاهی مییابد و وسیله ای قاطع بسیاری کنترل آنها بدست می‌آورد و ضمناً برای روز مبادا این اسناد را برای مدرک‌سازی بگار میبرد و افراد فرقه به تناسبی که در این زمینه اعتماد رهبرشان را حاصل کنند مقرب درگاه میشوند علاوه بر مرتبه الویت که رجوی برای خود ساخته و آنرا در هاله‌ای از تقدس و ابهام پوشیده است رابطه افراد سازمان نیز با هم برابر نیست و بر حسب انجام وظیفه انسانی و مبارزه انقلابی و راحت و چنانکه در بدو ورود به سازمان بوده نمیباشد بلکه رابطه طولی است و همچنانکه پاهای رهبری بر سر مریدانش قرار دارد بتناسب و رده‌های مختلف پاهای افراد نزدیکتر به رهبری که با معیار سرسپردگی تعیین میشوند بر سر تحت مسئولین قرار دارد و فشارها و محرومیتها و تحقیرها رو به پایین افزایش مییابد تا بدین وسیله افراد از هم سبقت بگیرند و با دادن گزارش و ضعفهای شدید خود و دیگران به رهبری نزدیکتر شوند تا فشار از سرشان کم شود و به نان نوای تشکیلاتی برسند چنانکه به کرات دیده میشود روزها و هفته‌ها افراد به حالت بیمار در بستر می‌افتند چنانکه در بعضی موارد فرد بیست کیلو وزن کم میکند و گوئی در حال عمل جراحی می‌باشد و این جریانها در جنگ و تردید با خویش صورت میگیرد و باصطلاح فرد تحت برخورد مییابد از آنجائیکه مسئله رده و طبقات هست و نیست افراد در این فرقه است کسانیکه از رده شان پایین کشیده شوند گفته میشود R.P.G.7 خورده است یعنی به لب مرگ رسیده است و این يك اصطلاح رایج در سازمان مجاهدین رجوی است. خلاصه رنج کشیدن، فناکردن و شهیدشدن و تحقیر از آن توده‌های سازمانی و افتخارات و صلاحیت و بهره‌مندی از امکانات و احترام از آن رهبری و نزدیکان است. در این دستگاه وارونه علاوه بر آن کسانی صلاحیت ورود به رده‌های بالاتر را مییابند که فنون کنترل دیگران و چرخاندن تشکیلات را بیاموزند و نیز پروسه فراموشی را بگذارند و اهرمی شوند برای پیشبرد سیستم ولایت فرعونی.

افراد از بدو ورود و نقطه عزیمت مبارزه جوئی و فداکاری و دانش هر چند که بر انرژی و با صداقت باشند بحساب نمایند و تنها با کسب صلاحیت و درجه صلاحیت یعنی با آموختن فنون منکور و شیوه‌های چاکرمنشی و کنیزمابی ارج و منزلت مییابند . آری هنرمند محترم تا سال در پرش است کسی نگوید که دوغ من ترش است ولی خوب دوغ آنقدر ترش شده است که با آن همه ناز غمزه‌ها از اهدا فرش ابریشم دوازده متری به کلینتون از جانب برادر و ملاقاتهای خائنانه مجاهد نستوه سیدالمحدثین با عمو بیل والگر و تا مسایل پشت پرده، امپریالیسم هم صلاح خود نمینداند بی‌گنار به آب بزند و گوشه چشمی نشان دهد و تازه این سازمان را یکی از ۲۲ گروه تروریست جهان معرفی کرده است و اخیراً انگلیس هم با برائت از این جریان آن را يك گروه تروریست نامیده است البته که امپریالیستها در پی زد و بندها و منافع خویش هستند و از طرفی به این امر واقف شده‌اند که اینها نیز مانند رژیم ارتجاعی در بین مردم جایی ندارند و روی هیچ چیزی بنا نمیشود و تقویت این باند آب را در هاون کوبیدن است و عرض خود بردن اگر خواهان دریافت واقعیت هستید و میخواهید برایتان حقیقت روشن شود به دهها جزوه، کتاب و اطلاعیه که توسط اعضای خود این سازمان نوشته شده است مراجعه کنید:

۱- تشریح زندانها از غلام شیر علی عضو با سابقه سازمان

۲- ارتجاع مغلوب در رقابت با ارتجاع غالب نوشته هادی شمس حائری از اعضا با سابقه سازمان

۳- نامه ۲ تن از اعضای سابق مجاهدین بنامهای مجید بازگونه و مینو محمدی زاده به رجوی

۴- نوشته‌های پرویز یعقوبی از اعضا شورای مرکزی

۵- دهها اطلاعیه و جزوه و کتاب که تحت نام مجاهدین خلق (منشعبین) منتشر شده است

از داستان علی زکشی و مسعود عدل و دیگران سؤال کنید بیچاره رجوی تمام کسانیکه روشهای ماکیاولیستی او را محکوم میکنند طرفداران رژیم آخوندی مینامد تمامی احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی جامعه از حزب کمونیست تا سلطنت طلب دموکرات و لیبرال و فدائی و ملی‌گرایان و خط شریعتی و گروههای مارکسیست و مذهبی دیگر و نیز شخصیتهای سیاسی مانند بازرگان حاج سید جوادی ، بنی‌صدر، لاهیجی، منصور حکمت، فروهر، کشتگر، قاسمو، فرهاد بشارت، شاملو و اعضای سابق خود و دیگران همه

را تخریب و تخطئه میکند (۱) و در عوض بدامن صدام و کلینتون و فهد و... میاویزد شورای دست ساز رجوی بموازات رژیم ولایت فقیه هم سخاوت و هم تبارش در طول حیات رو به احتضار همواره در چشم مردم و دیگر بخشهای اپوزیسیون و چهره های ملی خاک پاشیده است و نهایتا به رژیم یاری رسانده است.

نمونه بارز این خصلتها و حرکتهای ضد تکاملی و ضد دموکراتیک و تنگ نظرانه بر هم زدن و عقیم نمودن حرکت درون جوش جامعه در سر فصل آتش بس و عملیات دروغ جاویدان است که با به کشتن دادن چند هزار نفر از جوانان در داخل و خارج کشور شریک جرم رژیم سرکوبگر اسلامی است.

حرکت درون جوش مردم که معرفت تا تومار رژیم سرکوبگر را برچیند توطئه لیبرالها و آمریکا نامید و مدعی شد که با آن حرکت مذبحخانه (دروغ جاویدان) میز لیبرالها را برهم زده است در اینجا قسمتی از استدالات رجوی را میآوریم: اگر ما عملیات نمیکردیم و رژیم وادار به عکس العمل و بستن دوباره جو جامعه نمیشد آنگاه رژیم لیبرالها صورت میگرفت و پس از انجام این رژیم امشال بازگان که يك دولت لیبرال را تشکیل میدادند ما را مورد سؤال قرار میدادند که خوب شما تا بحال کجا بودید و چه کار میکردید ما را متهم به همکاری نظامی و جاسوسی به نفع دشمنی خارجی میکردند و ما را در گوشه رینگ قرار میدادند و ما هیچ دفاعی از خود نمیتوانستیم بکنیم و برای همیشه یا حداقل برای يك دوره میسوختیم و از طرفی هم ماندن ما در عراق دیگر موضوع عینی نداشت توجیه عملیات فرصت طلبانه و سخیفانه دروغ جاویدان پس از ۶ سال از این غائله تازه مسعود رجوی پنجمین رئیس جمهور خیالی را انتخاب میکند. اولین رئیس جمهور و کاندیدای مطلوب سازمان پدر عظیم الشان، رهبر ضد امپریالیست، ادامه دهنده میرزا کوچک خان و مدرس امام خمینی بود (مجموعه اطلاعاتی های سازمان مجاهدین خلق) دومین رئیس جمهور آقای طالقانی، سومین رئیس جمهور برادر مسعود رجوی کاندید نسل فدا و صداقت، چهارمین رئیس جمهور آقای بنی صدر و حالا پنجمین خواهر مریم عضدانلو تا رئیس جمهور خیالی بعدی کی باشد! لابد بیل کلینتون، زهی خیال باطل.

بلی رجوی نیز ما سلف خویش خمینی رای مردم را بر هیچ میانگارد و خلق را انعامه الله میداند این بار او بر دهن دولت و هم بر دهان ملت میزند و خودش دولت و رئیس جمهور تعیین میکند.

در خاتمه باید به باند رجوی و مزدورانی که آگاهانه در حرکتهای ضددمکراتیک و ضد تکاملی به او یاری می رسانند و بدین ترتیب حرکت تاریخی جامعه را به عقب میکشانند گوش زد نمود که عملکرد شما علیرغم هیاهو و رنگ و لعابهای باسه ای محتواتا ارتجاعی و باعث تداوم رژیم دیکتاتوری بوده است و شما و رژیم هم تبارتان يك سرنوشت محتوم دارید و این سرنوشت را سیر تکاملی جامعه برایتان رقم زده است و قهرا در شرف تکوین است و تشبثات مزورانه و مایوسانه شایان شه ای از این واقعیت است

پیروز باشید

۷ شهریور ۱۳۷۳

۲۹ اوت ۱۹۹۴

مهناز منیرزاده — هلند

(۱) ذکر نام افراد و شخصیتهای سیاسی بمعنی و منظور تایید صد در صد نظرات آنها نمیباشد.